

وزیر علوم رژیم صهیونیستی:

از رضا پهلوی حمایت می‌کنیم

وزیر علوم و فناوری و عضو کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی، همزمان با سفر یک گروه از سوی رضا پهلوی به سرزمین اشغالی گفت: از رضا پهلوی حمایت می‌کنیم و به دنبال براندازی جمهوری اسلامی هستیم. پس از این گفت‌وگو وب‌سیایت اینترنتال نشان با ذوق‌زدگی در گزارشی نوشت: «این نخستین‌بار است که یک عضو کابینه نتانیاهو با صراحت از حمایت از رضا پهلوی برای سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گوید». خود رضا پهلوی نیز فروردین ۱۴۰۲ به فلسطین اشغالی سفر کرد و دیدارهایی با بنیامین نتانیاهو و دیگر مقامات رژیم داشت.

■ ■ ■

دیپلماسی کودکانه

آمریکا حضور هیأت ایرانی

در سازمان ملل را محدود می‌کند

آسوشیتدپرس در گزارشی از محتوای سندی از وزارت خارجه آمریکا پرده برداشت که به سفر هیات ایرانی به نیویورک برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل مربوط می‌شود. بر اساس این گزارش، دولت آمریکا قرار است بزودی ممنوعیت احتمالی سفرها و دیگر محدودیت‌ها را علیه هیات‌های ایران، سودان، زیمبابوه و برزیل برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل اعمال کند. طبق اسناد یادشده، تردد دیپلمات‌های ایرانی در نیویورک نیز بشدت محدود می‌شود.

■ ■ ■

اعتراف بنیاد دفاع از دموکراسی

به مفید بودن همکاری ایران و چین

اندیشکده دفاع از دموکراسی که به صورت مستمر، گزارش‌های ضدایرانی منتشر می‌کند، در گزارشی که متن گفت‌وگوی ۲ نفر از اعضای این اندیشکده است، اعتراف کرد: «ایران و چین با انعقاد توافقنامه ۲۵ ساله، همکاری‌های دوجانبه خود را نهادینه کرده‌اند. این توافقنامه همکاری در حوزه‌های انرژی، زیرساخت و تجارت را تسهیل و دسترسی چین به منابع انرژی ایران را تضمین می‌کند. همچنین همکاری‌های مالی بین ۲ کشور با استفاده از مکانیسم‌های غیردلاری برای دور زدن تحریم‌ها تقویت شده است». اف‌دی‌دی ادعا کرد چین با استفاده از روابط با ایران، سعی در گسترش نفوذ خود در منطقه و تأمین امنیت مسیرهای انرژی دارد و منافع مشترک ۲ کشور باعث تداوم همکاری‌های ایران و چین به رغم تحریم‌ها علیه ایران شده است.

■ ■ ■

دیدار عراقچی

و مسؤول سیاست خارجی اروپا

وزیر امور خارجه ایران چهارشنبه در دوحه در دیدار مسؤول هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپایی گفت انتظار می‌رود این نهاد در جهت خنثی‌سازی تحرکات علیه دیپلماسی ایفای نقش کند. سیدعباس عراقچی با هدف دیدار با امیر قطر به دوحه سفر کرده است. همزمان با حضور عراقچی در قطر، اعضای شورای رهبری جنبش مقاومت اسلامی فلسطین(حماس) با وی دیدار و درباره تحولات منطقه تبادل نظر و رایزنی کردند. وزیر امور خارجه همچنین در تماس‌های تلفنی جداگانه با وزیر خارجه یونان، وزیر خارجه اسلوونی و وزیر خارجه سیرالئون که در حال حاضر کشورهای‌شان در شورای امنیت سازمان ملل عضویت دارند، درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، بویژه اقدام ۳ کشور انگلیس، فرانسه و آلمان در فعال‌سازی سازوکار ماشه در شورای امنیت گفت‌وگو و تبادل نظر کرد.

■ ■ ■

اعتراف آژانس به جاسوسی

بازرسانش از ایران

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بخشی از گزارش جدید خود اذعان کرد ۲ بارزس این نهاد به دلیل انتقال برخی اسناد از ایران به وین توسط ایران لغوانتصاب شدند. آژانس درباره دلیل این تصمیم ایران نوشت: «قدام ایران در پی خطای بازرسان انجام شد که اسنادی را که باید در قفسه کار آژانس در فرود باقی می‌ماند، به وین بازگرداندد».

■ ■ ■

اعلام رسمی نام فرمانده جدید

قرار گاه مرکزی خاتم‌الانبیا



پس از شهادت سپهبد رشید و سپهبد شادمانی در جنگ ۱۲ روزه، سردار سرلشکر علی عبداللهی از شخصیت‌های برجسته نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران با ۹۶ ماه حضور در جبهه و سابقه فرماندهی در سطوح عالی نظامی و اجرایی کشور به عنوان فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا منصوب شد. سردار عبداللهی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ فرماندهی لشکر ۱۶ قدس (گیلان) را برعهده داشت و طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ به عنوان رئیس ستاد نیروی زمینی سپاه پاسداران فعالیت کرد. وی همچنین در دولت نهم، از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ استاندار سمنان و از ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ استاندار گیلان بود. وی در دولت دهم نیز بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور را بر عهده داشت. وی در ادامه، از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ به عنوان معاون آماد، پشتیبانی و تحقیقات صنعتی ستاد کل نیروهای مسلح مشغول کار بود و طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ در جایگاه معاون هماهنگ‌کننده ستاد کل نیروهای مسلح خدمت کرد.

اهداف رژیم صهیونیستی از پشتیبانی عملیات‌های تروریستی در ایران

رد پای اسرائیل در پاسگاه دامن



قرار می‌گیرد، آن هم با اسلحه و آموزش و پولی که ۷۷ سال است بلوچستان پاکستان را با آشفتنگی و درگیری روبه‌رو کرده است.در اسسم، عنوان و ظاهر به دنبال تحقق حقوق بلوچ‌ها در چارچوب قانون داخلی پاکستان و البته در نظر برخی، در باطن به دنبال تجزیه بلوچستان از پاکستان و در هر ۲ صورت، این آتش است که به بلوچستان ایران سرایت می‌کند و ۲ کشور را به جان هم می‌اندازد. مانند آنچه در روزهای پایانی دی ۱۴۰۲ با حمله موشکی سپاه پاسداران به ۲ مقر جیش‌الظلم در کوه سبز بلوچستان پاکستان اتفاق افتاد. با این حال، روابط همچنان «برادرانه» ایران و پاکستان تا جایی است که پاکستان از نخستین کشورهایی بود که حمله اسرائیل به ایران را محکوم کرد. اسرائیل با اخلاف در این رابطه یک بازی چند سر برد را آغاز کرده که کمترین سطح آن، مشغول‌سازی ۲ رقیبش به یک مساله اساسی ژئوپلیتیک

خاورمیانه (memri)، اگرچه یک روز پیش از وقوع مهم‌ترین تهدید امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران یعنی حمله رژیم صهیونیستی در بمبادا ۲۳ خرداد رخ داد، نه از نظر ایران دور ماند و نه از دید رسانه‌های منطقه بویژه الجزیره. اگرچه در بیانیه رسمی آغاز این پروژه، تصریح شده بود بلوچستان در کنار منابع غنی کشاورزی و معدنی می‌تواند «پایگاهی عالی برای مقابله با ایران، برنامه هسته‌ای آن و روابط خطرناکش با پاکستان» باشد. الجزیره همین تصریح را مبتدای یک تحلیل کرد و نوشت: اسرائیل به دنبال آن است که بر مبارزه بلوچ‌ها داخل پاکستان سوار شود و آشفتنگی و خشونت حاصل از این سستیز را به تیغی ۲ سر علیه ایران و پاکستان تبدیل کند. این نخستین‌بار نیست که تنش‌های داخلی درونی یک کشور، دستمایه بازیگر دیگری می‌شود برای بی‌ثبات‌سازی. در نتیجه، در این مصادف، هند نیز کنار رژیم صهیونیستی

ابعاد مختلف عضویت ایران در شانگهای؛ دیروز تا فردا

ایران و فرصت‌های شانگهای؛ نیمه‌مریان

سهم ایران از اقتصاد شانگهای را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.
■ فرصت‌های امنیتی – راهبردی

شانگهای در آغاز با هدف همکاری امنیتی و مبارزه با ۳ پدیده «تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی» شکل گرفت، ایران با تجربه بالای خود در مقابله با داعش و دیگر گروه‌های تکفیری، می‌تواند دانش و ظرفیت‌های امنیتی خود را در اختیار این سازمان بگذارد. همچنین با توجه به خروج آمریکا از افغانستان، شانگهای به دنبال نقش‌آفرینی بیشتر در این کشور است. ایران می‌تواند به‌عنوان همسایه بافلاص افغانستان و کشوری با نفوذ تاریخی و فرهنگی، نقش میانجی و تسهیل‌گر را ایفا کند. از سوی دیگر، سازمان شانگهای تنها یک نهاد امنیتی – اقتصادی نیست، بلکه بستری برای پیوندهای تمدنی میان کشورهای آسیایی است. ایران با سابقه تمدنی چند هزار ساله، ادبیات غنی و میراث مشترک در مسیر جاده ابریشم، می‌تواند از ابزار دیپلماسی فرهنگی برای تعمیق جایگاه خود بهره‌برد. تبادل دانشجو، گردشگری فرهنگی، برگزاری جشنواره‌های هنری و ترویج زبان فارسی در آسیای میانه‌ها از ظرفیت‌هایی است که هنوز مغفول است.

■ چرا این مسیر زمانبر است؟

منتقدان معمولاً از زوایسه‌ای کوتاه‌مدت به موضوع نگاه می‌کنند. واقعیت این است که تنها ۳ سال از عمر عضویت رسمی ایران در شانگهای می‌گذرد و برای تحقق نتایج ملموس، زمان بیشتری نیاز است. تجربه کشورهایی مانند پاکستان نشان می‌دهد تبدیل تفاهمنامه‌ها به پروژه‌های اجرایی ممکن است سال‌ها طول بکشد. بنابراین استفاده از واژه «بی‌پهره» درباره عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای دقیق نیست، ایران در حال پیمودن یک روند تدریجی است. اگرچه هنوز همه فرصت‌ها بافعل نشده اما جهت‌گیری‌ها نشان‌دهنده حرکت رو به جلو است.

■ سناریوهای آینده ایران در شانگهای
در یک سناریوی خوش‌بینانه، ایران با توسعه زیرساخت‌ها،

عضویت ایران حاصل تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل بود. این عضویت، در واقع «پاسخ طبیعی» به شرایط جدیدی بود که در آن، ایران برای رهایی از فشارهای غرب، مسیر همکاری

با شرق را انتخاب کرد.

■ ظرفیت ژئوپلیتیک ایران در

بستر شانگهای

ایران از نظر ژئوپلیتیک یکی از بی‌پدیل‌ترین موقعیت‌ها را در میان اعضای شانگهای دارد. اولاً چهارراه ترانزیت جهان است، نقطه اتصال خلیج‌فارس به آسیای میانه و قفقاز است و کردبو در بین‌المللی شمال – جنوب که هند را به روسیه وصل می‌کند، بدون ایران معنایی ندارد. ثانیاً ایران با دارا بودن دومین ذخایر گاز جهان و چهارمین ذخایر نفت، می‌تواند ستون انرژی شانگهای باشد. ثالثاً ایران در مجاورت بحران‌های بزرگ مانند افغانستان، عراق و سوریه قرار دارد و تجربه بالایی در مدیریت تهدیدهای تروریستی دارد. با این حال، این ظرفیت‌ها هنوز در قالب پروژه‌های مشخص با شانگهای نهادینه نشده است.

دلیل اصلی آن، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا

و عدم تکمیل زیرساخت‌های داخلی ایران در حوزه ریلی، بندری و بانکی است.

■ اقتصاد شانگهای و جایگاه ایران

سازمان همکاری شانگهای مجموعه‌ازدیک ۲۸ درصد تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارد. بازار بزرگ چین، هند و روسیه فرصتی عظیم برای ایران است اما در عمل، سهم تجارت ایران با اعضای شانگهای هنوز محدود و تمرکز اصلی بر چین است. در واقع تبادلات مالی ایران با کشورهای عضو شانگهای به‌طور کامل عملیاتی نشده؛ بخشی به دلیل تحریم‌ها و بخشی به دلیل کمبود زیرساخت صادراتی ایران و البته یاید پذیرفتی ضعف ایران در دیپلماسی اقتصادی نیز در این زمینه مشهود است. بسیاری از قرارداده‌ا و تفاهمنامه‌ها روی کاغذ مانده و به اجرا نرسیده است. با این وجود، روندهای آینده نشان می‌دهد ایران می‌تواند در چارچوب سیاست «تجارت با پول‌های ملی» و استفاده از ارزهای محلی مانند یوان و روبل، موانع دلاری را دور بزند. این سیاست اگر به‌طور جدی دنبال شود، می‌تواند

۴- هند؛ میان‌جذب یا خنثی‌سازی

یکی از اهداف پنهان رزمایش‌های چین، تحت فشار قرار دادن هند است. دهلی‌نو در موقعیت ژئوپلیتیک حساسی قرار دارد؛ از یک سو عضو بریکس و سازمان همکاری شانگهای است و از سوی دیگر در قالب کواد (QUAD) با آمریکا، ژاپن و استرالیا همکاری امنیتی دارد. برای آمریکا، هند ابزار اصلی موازنه در برابر چین است و برای چین، هند رقیبی استراتژیک با اختلافات مرزی و رقابت دیرینه.

رزمایش‌های چین در واقع می‌خواهد این پیام را منتقل کند: حتی اگر هند در کواد هم حضور داشته باشد، «شرق در حال یک‌پارچه شدن» است و دهلی‌نو در موقعیت دشواری برای انتخاب قرار خواهد گرفت اما آیا این به معنای خنثی‌سازی کامل هند است؟ احتمالاً نه! اختلافات مرزی در لداخ، رقابت در قایق‌نوس هند و بی‌اعتمادی تاریخی ۲ کشور مانع آن می‌شود که هند براحتی جذب چین شود. با این حال، هر بار که چین موفق می‌شود همکاری شرقی را به نمایش بگذارد، بخشی از اثر گذرانی سیاست موازنه‌گرانه هند کم‌رنگ می‌شود.

۵- پیامدهای غیر مستقیم برای ایران
برای ایران نیز این رزمایش‌ها پیامدهایی دارد، هر چند نه در سطح نظامی مستقیم، بلکه بیشتر در سطح سیاسی و دیپلماتیک.

نخست – تقویت نظم چندقطبی: ایران همواره مخالف نظم

است، یعنی تجزیه بخش‌هایی از خاک در قالب یک طرح وسوسه‌کننده جذاب با عنوان «بلوچستان بزرگ». از سوی دیگر، از کار انداختن ظرفیت بندرهای گوادر و چابهار حتی در عرصه گردشگری و توریستی، آن هم به واسطه ناامن‌سازی، مقصود مهمی است که برای اسرائیل هزینه‌کرد هر گونه طراحی تروریستی در منطقه را معقول می‌کند. تکرار ترورها پیش‌نیاز عمده رشد اقتصادی یعنی ثبات سیاسی را دچار وقفه و اخلاف می‌کند و بیش از همه، امید به عمران و آبادانی در بلوچستان را به رخ هم فرصت‌های بکر و ناب پیشرفت کم‌رنگ می‌کند. رژیم صهیونیستی هر گروه تروریستی را به شکل هاگانا می‌بیند. هاگانا سال ۱۹۲۰ تشکیل شد و اسلحه و اختیار داشت و از اشغال زمین‌های فلسطینیان حمایت می‌کرد. هاگانا در مقابل هر تصمیمی که حاکمیت یهودیان را به تأخیر می‌انداخت، می‌ایستاد؛ حتی اگر آن تصمیم در سازمان ملل تصویب یا از سوی انگلیسی‌ها صادر شده بود. سازماندهی مهاجرت غیرقانونی اروپایی‌ها به فلسطین، غصب زمین، کتک زدن فلسطینی‌ها، کوچاندن آنها از روستاها و قبایل و در نهایت جمع‌آوری اطلاعات کشاورزی و جغرافیایی و کیفیت زمین و اولویت‌بندی برای اشغال. هاگانا در نهایت در ارتش صهیونیستی ادغام شد و بر اساس برخی ارزیابی‌ها می‌توان گفت هاگانا، پدر یا سلف آی‌دی‌اف است؛ نیروهای به اصطلاح دفاعی یا به تعبیر بهتر، ارتش صهیونیستی، داشش، جیش‌الظلم و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان همه هاگانای اسرائیل محسوب می‌شوند. ۳ هفته پیش، نتانیاهو در یک مصاحبه تلویزیونی تصریح کرد به آرمان «اسرائیل بزرگ» پایبند است. همان شعار قدیمی نیل تا فرات که بر اساس برخی نقشه‌ها بخش‌هایی از غرب ایران را نیز دربرمی‌گیرد اما اسرائیل بزرگ به کمک هاگاناهایی که اسلحه و آموزش و مهم‌تر از همه، نقشه و ایده و زمان‌بندی می‌گیرند، بیشتر از همه مسائل، به دنبال ساخت کشورها و قلمروهای جدید جغرافیایی است. هفته پیش، «تام باراک» سفیر آمریکا در آنکارا و نماینده ویژه این کشور در امور سوریه گفت «اسرائیل دیگر مرزهای ساقیاس – پیکو را به رسمیت نمی‌شناسد و هر جا و هر زمان که بخواهد حرکت خواهد کرد». هر جا حتی پاسگاه دامن ایرانشهر ایران.

استفاده از ارزهای ملی و فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی، به هاب انرژی و ترانزیت شانگهای بدل می‌شود. در دومین سناریوی احتمالی، ایران بخشی از ظرفیت‌های خود را بافعل می‌کند اما به دلیل تداوم تحریم‌ها و ضعف مدیریت، نقش فرعی در سازمان ایفا خواهد کرد و متأسفانه باید گفت اگر ایران نتواند بر موانع داخلی و خارجی غلبه کند، در نهایت به یک عضو حاشیه‌ای تقلیل خواهد یافت. از منظر آینده‌پژوهی، تحقق سناریوی اول قطعاً محتمل است، آن هم اگر سیاست‌گذاری‌های درست و عزم سیاسی کافی وجود داشته باشد. اما برای آنکه ایران بتواند به‌طور واقعی از شانگهای بهره‌برد، چند اقدام کلیدی ضروری است: اولاً توسعه دیپلماسی اقتصادی با ۲ ابتکار ایجاد دفاتر مشترک اقتصادی با کشورهای عضو، همچنین ارتباط وزارت امور خارجه با دیگر وزارتخانه‌ها بویژه وزارت ارتباطات در بهرمندی از دانش ایرانی برای حل مسائل فناناره اعضایی که در سطح یک سازمان نیستند. کلید تحقق این رخداد این است که دیپلماسی اقتصادی بویژه در وزارت امور خارجه به چشم یک معاونت فرعی یا صوری نگاه نکنیم. در گام دوم، باید تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی ایران مانند راه‌آهن چابهار – سرخس، بنادر جنوب و شبکه‌های لجستیکی را به عنوان یک فرصت کرد و برای جلب سرمایه‌گذاری‌ها شانگهای در این زمینه کوشید. اصلاح ساختار بانکی و استفاده از ارزهای محلی می‌تواند ابتکارات فعالانه‌تری در این باره بسازد. در نهایت تعمیق همکاری‌های امنیتی و گسترش دیپلماسی فرهنگی را باید جدی گرفت و به آنها نگاه راهبردی داشت. ایران در مسیر عضویت شانگهای هنوز در نقطه آغاز است. محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، ضعف زیرساخت و برخی تردیده‌ای داخلی موجب شده است بهره‌برداری کامل از این سازمان به تأخیر بیفتد. با این حال، آینده‌شناسی روابط بین‌الملل نشان می‌دهد شانگهای در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اصلی قدرت جهان است. ایران اگرچه تاکنون همه فرصت‌ها را بافعل نکرده اما در مسیر درست حرکت می‌کند. به بیان دیگر، ایران نه «بی‌پهره» مانده و نه منزوی، بلکه در حال گذار به مرحله‌ای است که در آن می‌تواند از یک عضو تازه‌وارد به بازیگری تأثیرگذار بدل شود. امید به آینده و برنامه‌ریزی هوشمندانه، کلید گذشودن درهای شانگهای به روی ایران است.

«قدرت‌نمایی یک بلوک نوظهور» مطرح می‌شود. همین امر نشان‌دهنده تغییر تدریجی افکار عمومی جهان است؛ تغییری که در نهایت می‌تواند هژمونی روایت آمریکا را نیز تضعیف کند. در نهایت رزمایش‌های چین در حضور رهبران شرق بیش از آنکه صرفاً یک اقدام نظامی باشد، نشانه‌ای از تحولات ژرف و نظم بین‌المللی است. این مانورها پیام‌های متعددی دارد و به آمریکا هشدار می‌دهد مداخله در شرق آسیا هزینه‌زا خواهد بود. همچنین نشان می‌دهد چین در حال تثبیت موقعیت خود به عنوان رهبر امنیتی شرق است و بیانگر آغاز روند جابه‌جایی قدرت جهان از غرب به شرق است؛ هر چند این روند هنوز تکمیل نشده. علاوه بر این تلاش می‌کند نقش هند به عنوان موازنه‌گر واشنگتن را محدود کند. با این حال برای ایران فرصتی فراهم می‌آورد تا موقعیت خود را در نظم چندقطبی تقویت کرده و در برابر فشار آمریکا ابزارهای بیشتری برای مانور داشته باشد. به بیان دیگر، این رزمایش‌ها میدان نبرد اصلی نیست، بلکه صحنه‌ای برای جنگ روایت‌ها و رقابت‌های نمادین میان شرق و غرب است. با این حال، پیامدهای واقعی آنها بتدریج در سیاست، اقتصاد و امنیت بین‌المللی آشکار خواهد شد. شاید بتوان گفت همان‌طور که رزمایش‌های ناتو در دوران جنگ سرد نشانه تثبیت بلوک غرب بود، رزمایش‌های امروز چین نیز نشانه بلوغ تدریجی بلوک شرق است؛ بلوکی که می‌خواهد سهم بیشتری از قدرت جهانی را به دست آورد.